



جهان در حال بازگشت به سسمت انرژی هسته‌ای است. این بازگشت اگرچه یک «رسانس هسته‌ای» کامل نیست؛ اما محصول نگاه واقع‌گرایانه و نیازهای جدید انرژی است. البته برخی از کشورها همچون آمریکا در کنار مزایای صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای، به طر بی سابقه‌ای به کاربردهای نظامی این فناوری هم توجه دارند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به‌صراحت این موضوع را بیان کرده و مدعی شده‌کشورش نیز مثل دیگر کشورها دست به‌آزمایش‌های اتمی خواهد زد! اتفاقی که وزارت انرژی آمریکا روز شنبه ۲۴ آبان آن را در بیانیه‌ای اعلام کرد. این وزارتخانه نوشت این کشور در ماه آگوست (مردادشهریور) یک «بمب حرارتی هسته‌ای تاکتیکی» را «آزمایش کرده است. ترامپ علت این مانور هسته‌ای خطرناک را انجام عملیات مشابه توسط دیگر کشورها معرفی کرد؛ اما هیچ اطلاعات روشنی از آزمایش هسته‌ای توسط کشورهای دیگر پیش از آزمایش آمریکا وجود ندارد.

چه کشورهای دیگر دست به‌چنین آزمایش‌هایی زده‌باشندو چه‌نزده‌باشند، واقعیت این است که میل کشورها برای داشتن ویا توسعه برنامه هسته‌ای شتاب گرفته است. شاید محرک اصلی این تلاش‌ها به‌سفر شهریور مانه‌ترامپ به‌بریتانیا و توافق تاریخی جامع‌دو کشور در حوزه انرژی هسته‌ای مربوط باشد. این توافق باهدف شتاب بخشیدن به توسعه نیروگاههای هسته‌ای و تسریع در روند صدور مجوز برای ساخت رآکتورهای جدید بین طرفین به امضا رسید. نخست‌وزیر بریتانیا، این توافق را گامی به‌سوی یک «عصر طلایی هسته‌ای» خواند و گفت این توافق «در بلندمدت هزینه‌های انرژی خانوارها را کاهش و در کوتاهمدت هزاران شغل جدید» ایجاد خواهد کرد.

همین توافق، زنگ‌ها را در سراسر جهان برای یک رقابت جدید هسته‌ای به صدا در آورد. البته آزمایش هسته‌ای آمریکا نیز به این موضوع شتاب بخشد.

در مسیر جنگ سرد جدید

آمریکا پیش از این نیز رفتارهای هسته‌ای زیادی از خود نشان داده بود؛ اما اصرار فعلی آن‌ها بر رقابت‌های تسلیحاتی هسته‌ای، پایه‌های رژیم جهانی منع اشاعه هسته‌ای را سست کرده و با القای الگویی از بازدارندگی هجومی و رقابت تسلیحاتی، جهان را به مسیری بازمی‌گرداند که شباهت‌های جدی با تنش‌ها و رقابت هسته‌ای دوران جنگ‌سرد دارد. در دوران جنگ سرد، رقابت هسته‌ای به محور اصلی رابطه آمریکا و شوروی تبدیل شد؛ رقابتی که در سطحی از فشار، تهدید و موازنه انجام می‌شد و کوچک‌ترین لغزش می‌توانست به یک درگیری ویرانگر منتهی شود. از اواخر دهه ۱۹۴۰ هر دو قدرت به این جمع‌بندی رسیدند که بقای سیاسی‌شان به‌توانایی در «حفظ بازدارندگی» وابسته‌است؛ بازدارندگی‌ای که بر ظرفیت «ضربه دوم»، «پراکندگی سامانه‌های پرتاب» و «سطحی از اطمینان متقابل» مبتنی بود که «هیچ حمله‌ای بدون پاسخ باقی نخواهد ماند.» همین منطق، توسعه زرادخانه‌های عظیم، استقرار موشک‌های قاروپیما، زیر دریایی‌های مجهز به کلاهک هسته‌ای و سیستم‌های هشدار زوهدنگا را به‌جز اجزایی نا پذیر ساختار امنیتی هر دو بلوک تبدیل کرد. انباشت تسلیحات هسته‌ای صرفاً یک فرایند فنی نبود؛ هر آزمایش موشکی، هر استقرار جدید و هر تغییر در دکترین نظامی، به‌عنوان نشانه‌ای از برتری یا تهدید تعبیر می‌شد و واکنش متقابل طرف مقابل را الزامی می‌کرد. در چنین فضایی، مسئله هسته‌ای، یک رقابت شناختی و راهبردی بود که از دستگاه سیاست خارجی تا رسانه‌ها و ارتش هر دو کشور را شامل می‌شد.

«بحران موشکی کوبا» در سال ۱۹۶۲ اوج این تقابل بود. اهمیت این بحران از آن جهت است که ساختار شکننده بازدارندگی هسته‌ای را در سخت‌ترین آزمون خود قرار داد. شوروی برای ایجاد موازنه با موشک‌های آمریکایی در «ترکیه» و «ایتالیا»، تصمیم گرفت موشک‌های بالستیک میان‌برد را در کوبا مستقر کند؛ اقدامی که اگر چه در منطق قدرتی

جنگ سرد قابل تحلیل بود، اما واکنشکن تحمل دیدنش را نداشت. افشای تصویری این پایگاه‌ها، واکنش جان اف کندی را در پی داشت و ایالات متحده توافق همکاری هسته‌ای را انتقال فناوری هسته‌ای به عربستان برای استفاده‌های روزهای بعد، ناوهای دو کشور در فاصله‌ای بسیار نزدیک از درگیری مستقیم قرار گرفتند و سطح آماده‌باش هسته‌ای آمریکا به شدت بالا رفت.

دنیاهسته‌ای ترشد

تنها پس از مذاکرات فشرده و تبادل پیام‌های محرمانه بود که خروشیف و کندی به توافق رسیدند. متن توافق شامل خروج موشک‌های شوروی از کوبا در برابر تعهد آمریکا به عدم حمله به این کشور و حذف تدریجی موشک‌های آمریکایی از ترکیه بود. این توافق نقطه پایان بحران بود.

پس از کوبا، اگر چه شدت تنش‌ها در برخی مقاطع کاهش یافت و مذاکرات کنترل تسلیحات آغاز شد؛ اما ماهیت رقابت هسته‌ای تغییر نکرد. پیمان‌هایی مانند سالت و استارت فقط توانستند سقف‌های نسبی بر تعداد کلاهک‌ها و سامانه‌های پرتاب ایجاد کنند؛ اما زیرساخت اصلی بازدارندگی همچنان پایر جا ماند. در تمام دهه‌های پس از آن، قدرت‌های هسته‌ای می‌دانستند که توازن شکننده بین تروان ضربه اول و اطمینان از پاسخ متقابل اساس سیاست امنیتی‌شان است؛ اما حمله ترامپ به تأسیسات هسته‌ای ایران، به جای اینکه برای دیگر کشورها بازدارندگی ایجاد کرده‌باشد، آن‌ها را ترغیب به رفتارهای هسته‌ای کرده است.

بازارابی هسته‌ای

برخی مورخان و پژوهشگران معتقدند جنگ سرد تمام نشده و همچنان ادامه دارد و تحرکات هسته‌ای اخیر کشور های مختلف را هم تحت همین تلقی ارزیابی می‌کنند.

آمریکا؛ سوت آغاز مسابقه هسته‌ای

آمریکاتنها کشوری است که به‌خود اجازه استفاده از بمب هسته‌ای در حمله وحشتناک به ژاپن راده‌است. بیش از ۷ دهه پس از آن عملیات، دونالد ترامپ اعلام کرده به پنتاگون دستور داده آزمایش سلاح‌های هسته‌ای را «در پاسخ به آزمایش‌های سایر کشورها» از سر بگیرد و تأکید کرد این آزمایش‌ها «خیلی زود» انجام خواهد شد. این اقدامات نشان‌دهنده بازگشت آشکار آمریکا به سیاست آزمایش و استقرار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی است و خطر آغاز دوباره مسابقه تسلیحاتی جهانی را به‌شدت افزایش می‌دهد. آژمایشگاه ملی سانلیا در نو ۲۰۵ پمپ گر ماهسته‌ای تاکتیکی «B۶۱-۱۲» را بدون کلاهک هسته‌ای با موفقیت توسط جنگنده F-۳۵ آزمایش کرد. این بمب‌ها در پایگاه «لیکن‌هیث» بریتانیا مستقر شده‌اند.

انگلیس؛ انبار هسته‌ای آمریکا در اروپا

بریتانیا عملاً به انبار اصلی تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی آمریکا در اروپا تبدیل شده‌با گسترش هم‌زمان زیرساخت‌های هسته‌ای نظامی و غیرنظامی، نقش خود را در تشدید تنش هسته‌ای جهانی تقویت می‌کند. لندن شهریور ماه توافق چند میلیارد پوندی «مشارکت آتلانتیک برای انرژی هسته‌ای پیشرفته» با واکنشکن امضا کرد تا رآکتورهای جدید برای تأمین برق مراکز داده هوش مصنوعی بسازد. شرکت‌های «Centrica» و «X-energy» تا ۱۲ رآکتور در «هارتل‌پول» می‌سازند و پروژه‌های دیگری با شرکت‌های «Holtec» و «EDF» در جریان است. هم‌زمان برای اولین بار از سال ۲۰۰۸، کلاهک‌های گرما هسته‌ای «B۶۱-۱۲» آمریکا در پایگاه «لیکن‌هیث» مستقر شده‌اند.

عربستان سعودی؛ هسته‌ای پادشاهی عادی سازی

بن‌سلمان با پرونده‌ای از کار ویزه‌های مهم به آمریکا سفر کرده است. خبرگزاری فرانسه مهم‌ترین محور این سفر سرزود و لیمهد عربستان به واکنشکن را اعضای قرارداد چهارچوب همکاری هسته‌ای با آمریکا اعلام کرده است؛ توافقی دقیقاً مشابه توافق ۱۲۳ که واکنشکن قبلاً با امارات، کره جنوبی و هند برای همکاری صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای غیرنظامی امضا کرده بود.

فرانسه؛ دو پرتاب هسته‌ای

فرانسه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بهرمیداران از انرژی هسته‌ای و یکی از قدرت‌های هسته‌ای اروپا، در حال مدرن‌سازی تهاجمی صنعت هسته‌ای خود است. این اقدامات به اعتقاد کارشناسان به پی ثبات‌سازی توازن استراتژیک اروپا و افزایش خطر درگیری هسته‌ای کمک می‌کند. وزارت دفاع این کشور موشک هوا به زمین «ASMPA-R» ارتقایافته با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای را پس از دومین پرتاب موفق از جنگنده

در ۶ ماه اخیر، ۱۳ کشور دنیا یا زرادخانهٔ اتمی خود را تقویت کرده یا به سمت ساخت نیروگاه رفته‌اند

«رافائل» رسماً عملیاتی اعلام کرد. هم‌زمان برنامه توسعه موشک هسته‌ای نسل چهارم «ASN۲G» و موشک بالستیک جدید «FM۵۱» تا سال ۲۰۳۵ آغاز شده است. قرارداد تولید نسخه چهارم موشک «M۵۱» با شرکت «آریان‌گروپ» امضا شده که بیش از ۵۰ تن وزن و «۲۰۰ ماخ» سرعت دارد.

ترکیه؛ ساخت دونیروگاه جدید

هفته گذشته وزیر انرژی ترکیه از مذاکره برای احداث «دونیروگاه هسته‌ای» در این کشور خبر داد. اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه هم گفت ورود دو نیروگاه هسته‌ای جدید به مدار تولید، به کاهش وابستگی ترکیه به واردات انرژی کمک خواهد کرد. با این حال روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی چندان مساعد به نظر نمی‌رسد و توسعه هسته‌ای آنکارا خوشایند تل آویو نیست. روزنامه عبری معاریو این اقدامات را «گام راهبردی» برای دستیابی به استقلال انرژی و افزایش قدرت استراتژیک ترکیه دانسته و صراحتاً هشدار داده ترکیه در مسیر تبدیل شدن به «کشور پیشرو در خاور میانه» و «خطر مستقیم برای اسرائیل» قرار گرفته است.

ژاپن؛ میزبان تسلیحات هسته‌ای آمریکا!

ژاپن به‌عنوان تنها قریانی هسته‌ای توسط ایالات متحده آمریکا، اعلام کرده برای میزبانی از تسلیحات هسته‌ای این کشور در خاک خود علاقه‌مند است روزنامه ژاپنی «مانیچی» نوشت «سانای تاکاچی» نخست‌وزیر ژاپن قصد دارد امکان بازنگری در سه اصل غیرهسته‌ای فعلی مبنی بر «عدم در اختیار داشتن»، «تولید» یا «اجازه‌ندادن به سلاح‌های هسته‌ای در خاک ژاپن» را بررسی کند. به گفته این نشریه، تاکاچی معتقد است ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای در این کشور بر توان آمریکا که در واقع امنیت ژاپن را تضمین می‌کند اثر منفی می‌گذارد!

کره جنوبی؛ تهدید زیرآبی بین دو کره

بررسی داده‌های یک نظرسنجی جدید در کره جنوبی نشان می‌دهد که ۷۵ درصد مردم این کشور از برنامه هسته‌ای ملی حمایت می‌کنند. «الی جائه‌یونگ» رئیس‌جمهور کره جنوبی از توافق با ترامپ برای گسترش غنی‌سازی اورانیوم و ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای خبر داد. سنول رسماً اعلام کرد «حمایت‌برای گسترش اختیارات خودبر غنی‌سازی و بازفآوری» را به دست آورده است.

کره شمالی؛ دومینوی هسته‌ای نسا‌یز

پیونگ‌یانگ تصمیم آمریکا برای تأیید ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای کره جنوبی را محکوم کرد و هشدار داد این اقدام «اثر دومینوی هسته‌ای» ایجاد می‌کند و مسابقه تسلیحاتی داغ را جرقه خواهد زد. کره شمالی اعلام کرده به دلیل «نیت تقابلی» آمریکا و کره جنوبی، اقدامات متقابل شدیدتر اتخاذ خواهد کرد و هم‌زمان نهمین و آخرین آزمایش موتور موشک بالستیک قاروپیما‌ی جدید را انجام داد.

آلمان؛ انگیزه‌های پنهان

رافائل گروسی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از گفت‌وگو با وزیر اقتصاد آلمان اعلام کرد برلین به‌طور جدی در حال بررسی بازگشت عملی به انرژی هسته‌ای است. گروسی گفت آلمان «انگیزه‌های پنهان» دارد و شایستگی‌های فنی آن هنوز وجود دارد. این در حالی است که آلمان دو سال پیش آخرین رآکتسور خود را خاموش کرد. چرخش احتمالی برلین به سمت فناوری هسته‌ای پیشرفته، پایان سیاسی ناراحتی خلع انرژی هسته‌ای این کشور را نشان می‌دهد و می‌تواند موجی از بازگشت به هسته‌ای در

اروپا ایجاد کند که خطر اشاعه و تنش را به شدت افزایش خواهد داد.

استرالیا؛ قرارداد ۵۰ ساله هسته‌ای

استرالیا که تا چند سال پیش حتی رآکتور تحقیقاتی نداشت، اکنون به سرعت در حال تبدیل شدن به قدرت هسته‌ای دریایی است. این اتفاق مستقیماً توازن قدرت در آسیا-اقیانوسیه را برهم می‌زند.

استرالیا و بریتانیا پیمان ۵۰ ساله برای ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای تهاجمی امضا کردند. دولت ترامپ در حال بررسی ادامه توافق «AUKUS» است. استرالیا دومین قسط ۵۰۰ میلیون دلاری را پرداخت کرد و هزینه کل پروژه تا ۲۴۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. این زیردریایی‌ها قرار است حداقل سه فروند «ویرجینیا-کلاس» آمریکایی را حمل کنند.

چین؛ اولین ناو هواپیمابر هسته‌ای

پکن با گسترش سریع برنامه هسته‌ای و ساخت ناو هسته‌ای، پیام مستقیمی به هژمونی دریایی آمریکا ارسال کرده و قصد دارد توازن قدرت را کاملاً تغییر دهد. تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد چین در آستانه ساخت نخستین ناو هواپیمابر هسته‌ای خود است که محدودیت برد ناوهای متعارف را حذف می‌کند. زرادخانه هسته‌ای چین از حدود ۳۵۰ کلاهک به ۲۰۲۰ به بیش از ۶۰۰ کلاهک رسیده و در حال تکمیل سه‌گانه هسته‌ای کامل (زمین، دریا، هوا) است. مقدمات آزمایش هسته‌ای احتمالی در سایت لوپ نور در جریان است. پنتاگون پیش‌بینی می‌کند چین تا ۲۰۳۵ بیش از ۱۰۰۰ کلاهک عملیاتی داشته باشد.

روسیه؛ ناوگان یخ‌شکن هسته‌ای

بلافاصله پس از اعلام ترامپ مبنی بر آزمایش موشک هسته‌ای، پوتین واکنش نشان داد و ترامپ به پاسخ داد. جلال لفظی در نوبت‌های مختلف صورت گرفت و همچنان ادامه دارد. همچنین پوتین ساخت یخ‌شکن هسته‌ای جدید «انتالیگراد» را آغاز کرد و تأکید کرد توسعه «ناوگان یخ‌شکن هسته‌ای» ادامه دارد. هم‌زمان با نزدیک شدن به انقضای پیمان «New START» (فوریه ۲۰۲۶) روسیه و آمریکا یکدیگر را به ازسرگیری آزمایش‌های هسته‌ای واقعی تهدید می‌کنند. نقطه خطرناک برای ایالات متحده آنجاست که روسیه از سال ۲۰۲۳ در مکانیسم‌های نظارتی پیمان منع اشاعه هسته‌ای مشارکت نمی‌کند.

هند؛ توافق هسته‌ای با روسیه

هند و روسیه توافق کردند بر پروژه‌های نیروگاه هسته‌ای بزرگ و کوچک را گسترش دهند و از تجربه «کودناکولام» (نیروگاه هند) استفاده کنند. شرکت «روس‌اتم» و کمیسون انرژی اتمی هند بر بومی‌سازی «تولید تجهیزات» و «سوخت هسته‌ای» تأکید کردند.

بازگشت به اورانیوم

بحران انرژی و جنگ‌ها، باعث‌شد کشورهایبیشتر به سمت گزینه‌هایی بروند که بتوانند ثبات بیشتری به شبکه برق خود بدهند. انرژی هسته‌ای یکی از اصلی‌ترین گزینه‌ها در این زمینه است. همچنین در سال‌های اخیر که کشورها به‌دنبال کاستن از تولید کربن هستند، منابع انرژی مطمئن، پایدار و بدون کربن در اولویت قرار گرفته‌اند. از این‌رو انرژی هسته‌ای می‌تواند نقش مهمی در ترکیب انرژی پاک ایفا کند. آن‌گونه که آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده، ظرفیت تولید هسته‌ای جهانی تا ۲۰۵۰ به‌شکل قابل توجهی افزایش خواهد یافت. بخشی از این توسعه مربوط به پیشرفت‌های صنعتی است که امکان ساخت رآکتورهای کوچک ماژولار (SMR) فراهم کرده و تازه‌ها به‌زمان ساخت و ریسک را کاهش دهند.

جعفر قنادباشی، کارشناس مسائل غرب آسیا در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پشت پردهٔ امتیازات آمریکا به عربستان در سفر بن سلمان را تشریح کرد

بزرگ‌نمایی در جایزهٔ عادی‌سازی؟



هم‌زمان با خبر سفر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان به آمریکا اخباری در مورد دو دستور کار این سفر منتشر شده است. اعضای قرارداد تحویل جنگنده‌های اف-۳۵ به عربستان و امضای «چهارچوب توافق همکاری هسته‌ای غیرنظامی» ۲ خبر منتشرشده توسط منابع عربی در مورد محتوای این سفر است. منابع عربی هدف توافق همکاری هسته‌ای را انتقال فناوری هسته‌ای به عربستان برای استفاده‌های صلح‌آمیز و تضمین پایدندی به‌اصول‌منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای عنوان کرده‌اند؛ اما کنار هم قراردادن این دو خبر باعث می‌شود که برخی از زاویه دورخیز عربستان به سمت تسلیحاتی‌سازی فناوری هسته‌ای به موضوع بپردازند. در فضای رسانه‌ای گمانه‌زنی‌هایی نیز در مورد ارتباط این دو موضوع با احیای فضای تنش با ایران مطرح شده است. هم‌زمان رسانه‌های عربستانی صبح روز شنبه اعلام کردند که پیام رئیس‌جمهور ایران نیز به‌دست‌بن سلمان رسیده‌است. برای بررسی و تحلیل پیام‌های سفر بن‌سلمان به آمریکا و نسبت‌های احتمالی نتایج خبری شده آن با ایران با جعفر قنادباشی، کارشناس مسائل غرب آسیا به‌گفت‌وگو پرداخته‌ام. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

□ □ □

اگر عربستان اف-۳۵ دریافت کند، این مسئله چه نسبتی با ایران خواهد داشت؟ آیا می‌توان نتیجه گرفت که آمریکا در حال زمینه‌چینی برای احیای جبهه‌بندی‌های سابق علیه ایران از طریق اعطای چنین امتیازاتی است یا خیر؟ آنچه هم‌اکنون بین آمریکا و عربستان در جریان است، در دو خواسته بسیار مهم‌تر و اولویت‌دار برای آمریکایی‌ها پیگیری می‌شود. بخش رسانه‌ای شده ماجرا، همان اعطای اف-۳۵ و مسئله هسته‌ای است که برای عربستان و شخص محمد بن سلمان امتیاز تبلیغاتی بزرگی به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که نشان‌دهنده توانسته امتیازات مهمی از آمریکا بگیرد. در عین حال این موضوع دست‌اویزی تبلیغاتی خواهد بود برای اینکه وانمود کنند عربستان با هزینه بسیار کم به فناوری هسته‌ای دست‌یافته، درحالی‌که ایران راهی پر هزینه برای دستیابی به صنعت هسته‌ای طی کرده است. از منظر دفاعی نیز تلاش می‌شود ما را در موقعیت ضعیف‌تری نشان دهند؛ اما پشت‌صحنه این دو درخواست در واقع خواسته‌های اصلی آمریکا از عربستان هستند.

خواسته‌های پشت پرده و اصلی چه مواردی‌اند؟

اما دو خواسته اصلی آمریکا که کمتر رسانه‌ای می‌شود و بسیار مهم‌تر است عبارتند از: سرمایه‌گذاری گسترده عربستان در آمریکا و کشتاندن عربستان به «اصح ابراهیم» و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی.

آقای ترامپ اکنون برخلاف گذشته، از کشورهای مختلف از کره جنوبی گرفته تا کشورهای آفریقایی و آسیای مرکزی می‌خواهد که در آمریکا سرمایه‌گذاری کنند. در این سفر نیز قطعاً توافق‌نامه‌ها و تعهداتی برای سرمایه‌گذاری عربستان در آمریکا علاوه بر خریدهای تسلیحاتی و هسته‌ای وجود خواهد داشت. وعده سرمایه‌گذاری ۳۰۰ میلیارد دلاری که ترامپ در سفر به ریاض در یافت‌کرده اکنون باید به سمت تقد شدن برود.

دوم و مهم‌تر این است که آمریکا امتیازاتی مانند اف-۳۵ و هسته‌ای را می‌دهد تا در داخل عربستان قابل توجیه باشد؛ یعنی بگویند ما با اسرائیل رابطه برقرار می‌کنیم؛ چون امتیازات خوبی گرفتیم؛ ما اکنون کشوری پیشرفته‌ایم و با همه باید رابطه داشته باشیم.» در دوره اول ترامپ، مصر را وادار کردند دو جزیره تیران و صنافیر در دریای سرخ را که متعلق به مصر بودند به عربستان واگذار کند تا زمینه عادی‌سازی فراهم شود. اکنون مهم‌ترین موضوع پنهان این سفر، همین عادی‌سازی است. توجیه آن برای افکار عمومی عربستان و منطقه‌ای در دوره دوم ترامپ بسیار دشوارتر از دوره اول است؛ چون نتایج‌هاو دیگر یک رژیم مغرب‌نویزیست و تحت‌فشار و انزوا یی بین‌المللی است و هم‌پیمانی با او هزینه سنگینی دارد.

چرا عادی‌سازی روابط با عربستان تا این حد برای اسرائیل و آمریکا مهم است که برای تحقق آن حتی حاضرند از جوانب امنیتی احتمالی تجهیز ریاض به اف-۳۵ هم صرف‌نظر کنند؟

اصلی‌ترین هدف پشت پرده این است که عربستان را به سمت عادی‌سازی بکشانند. چون تا زمانی که عادی‌سازی با کما‌هواهای کلیدی منطقه به‌ویژه عربستان انجام نشود، موقعیت رژیم صهیونیستی پس از ۷۸ سال همچنان تثبیت‌شده نخواهد بود. کشورهایی که تاکنون عادی‌سازی کرده‌اند یا مانند بحرین کوچک هستند یا اکثریت جمعیتشان اتباع خارجی‌اند و پیش‌ازاین هم جنگی با اسرائیل نداشته‌اند؛ مانند امارات و یا اساساً از ابتدا رابطه داشته‌اند مثل قزاقستان که جدیداً اوعا‌هایی در مورد عادی‌سازی روابطش با اسرائیل مطرح می‌شود؛ اما پیش‌ازاین هم روابطش

عادی‌سازی شده بود و چیز جدیدی نیست. در نتیجه، اف-۳۵ و هسته‌ای که به عربستان می‌دهند، نه مایه افتخار واقعی است و نه امنیت مستقل ایجاد می‌کند. همان‌طور که حمله محدود حماس نشان داد، حتی پیشرفته‌ترین لایه‌های دفاعی آمریکایی-اسرائیلی نیز آسیب‌پذیر است. این‌ها صرفاً اسباب‌بازی‌های گار قری‌مبنی هستند که انبار شده‌بودند و اکنون با نظارت کامل مستشاران آمریکایی و با پروتکل‌هایی که استفاده علیه اسرائیل را ممنوع می‌کند، تحویل می‌شوند؛ حتی ممکن است نسخه‌های محدودشده با برد و امکان حمل سوخت کم یا سیستم‌های دفاعی ضعیف‌تر شوند در برابر اسرائیل باشند. هدف نهایی خالی‌کردن جیب عربستان و تضمین بازگشت دلارهای نفتی به آمریکا و تثبیت رژیم صهیونیستی در منطقه است.

آیا صرفاً مسئله عادی‌سازی روابط باعث انتقال این ابزارها به عربستان شده یا ممکن است موضوع تضعیف تجهیزات تحویلی به عربستان نیز در دستور کار باشد تا از هرگونه احتمال استفاده از این تجهیزات علیه اسرائیل دفع خطر شود؟

دو نکته مهم در این خصوص وجود دارد. نخست به موضوع صنعت هسته‌ای وارداتی می‌پردازم. اگر صنعت هسته‌ای وارداتی باشد و پایه داخلی نداشته‌باشد، همواره اختیار آن در دست قدرت خارجی خواهد بود. یعنی هر زمان که بخواهند می‌توانند آن را محدود یا متوقف کنند. چنین صنعتی فاقد دانش‌مندان و زیرساخت‌های بومی است و کاملاً وابسته به خارج خواهد بود. عربستان که راه‌آمد آمدش نفت است و دارای منابع سوخت فسیلی فراوان است، با این روش حتی در حوزه انرژی نیز وابسته‌تر می‌شود. این وضعیت به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با صنعت هسته‌ای بومی ایران نیست که نه تنها وابستگی به خارج ندارد، بلکه ما را از وابستگی در حوزه‌های کشاورزی، پزشکی و بسیاری از صنایع دیگر رهایی بخشیده‌است. در خصوص موضوع دوم، یعنی اف-۳۵ نیز باید گفت حدود ۲۰ سال پیش قرار بود نوعی از اف-۳۵ به عربستان تحویل شود؛ اما مشروطش این بود که برپروازی آن به‌گونه‌ای محدود شود که نتواند به سمت اسرائیل پرواز کند. این مسئله کاملاً روشن است. طبعاً اف-۳۵‌هایی که اکنون به آن‌ها داده می‌شود نیز تحت نظارت کامل آمریکا خواهد بود؛ یعنی با مانفست‌ها، آیین‌نامه‌ها و پروتکل‌های خاصی همراه است که استفاده از آن را محدود می‌کند. این نیز نوعی دیگر از وابستگی است که می‌تواند در آینده سرمایه‌گراندکدی باشد.